

شرح قانون مدنی ایران

قوانین را مطابق اوضاع و احوال اجتماعی محیط خود وضع میکنند لیکن مردمی که بنام مقنن سیاسی در دنیای سیاست معرفی میشوند دو فرقه اند فرقه اول محل را مؤثر در وضع قانون شناخته و تابعین آن را کسانی میدانند که در آب و خاک محیط قانون گذار زائیده شده و وجود آید.

فرقه دوم مکان را مؤثر ندانسته و به نژاد و خون اهمیت میدهند.

این دو فرقه که الاک وضع قانون را در همه نقاط یکی ازدو اول فوق دانسته اند از امر است منحرف گردیده و معیار وضع قوانین را که مدیر هیئت اجتماع است بدست نیاورده اند اینک بای تشحیذ اذهان خوانندگان اساس مطالب را مطابق اصول و مبانی علمی معرفی کرده و افکار را بخطای این دو فرقه متوجه میسازیم.

اگر هر چیز قابل انکار و مورد تردید واقع گردد این مسئله جای شبهه نیست که انسان اجتماعی است نتیجه اجتماع تعاون افراد آدمی در تحصیل معاش و فراهم آوردن وسائل زندگانی است.

مورد بحث آنست که آیا اجتماع از خصایص بشر است یا سایر حیوانات نیز اجتماعی هستند و بر هر تقدیر اجتماع معلول چیست؟

طائفه ای از حکما معتقدند که اجتماع از صفات خاص بشر و معلول فکر او است.

فرقه ای میگویند که صفت مزبور طبیعی عموم حیوانات است مورچه زنبور هر ملخ انواع میمونهای دنیا اجتماعی هستند چون مطابق قانون تطور و انتخاب

طبیعی و بقاء اصلاح قوای طبیعی در انسان کاملتر و شعور و ادراک و فکری قویتر است حالت اجتماعی وی نیز متناسب سایر قوی از سایر حیوانات کاملتر میباشد این فرقه متفقند که اجتماع از ضروریات وجودی بشر است چه وی مقهور عوامل طبیعت است زحمت سرما و شدت گرما سختی گرسنگی دلتنگی حمله حیوانات موزر هجوم و حملات دشمنان طبیعی رقابت افراد نوع وی در لباس و مسکن و غذا او را بمدافعه وادار کرده است اگر حالت اجتماع نبود تهیه این همه وسایل از یک نفر که برادر فراهم آوردن هر یک از آنها هزاران نفوس شرکت میورزند غیر ممکن بود هیئت اجتماع را باید بدن حیوانی تشبیه نمود که از اعضای مختلف ترکیب یافته و هر یک عهده دار وظیفه خاصی هستند. لیکن مجموع این اعضا با وظایف مخصوص خود بری مقصود واحد که سلامت بدن است در حرکات تمایل آدمی با اجتماع مانند سایر قوی طبیعی وی از سایر حیوانات قویتر و باعلی درجه کما رسیده بقسمیکه شیخ مشایخ معرفت و ایقان و صد اعظام حکمت و عرفان حسین بن عبدالله بن سینا معروف بشیخ رئیس در الهیات شفاوی را مدنی بالطبع خوانده است ولی کمال حالت اجتماعی بشر بسته بقوانین عادلانه است.

اعدل قوانین آنست که مصالح عموم در آن رعایت شود این گونه از قوانین لازم الرعایه است جهل و غرور آدمی غفلت و شهوت وی مؤسدتزلزل بلکه موجب خرابی بنیان اجتماع است قوه هر ای باید که از حقوق عموم حمایت کرده و جامعه را از تعدی و ظلم باز دارد آن قوه مطابق مصالح وقت و مقتضیات محیط و روحیات

عامه و قوانین باشکال مختلف جلوه کرده و بنام دولت خود را در دنیای اجتماع معرفی مینماید عقیده علما در حقیقت قوانین عادلانه مختلف است .

فرقه‌ای میگویند سنن عادلانه همان قوانینی است که خداوند بوسیله نبی وقت به مردم ابلاغ مینماید چه به علت عدم اطلاع مقننین عادی از صلاح و فساد امور قوانین آنان در قلوب مردم جای گزین نگردد و آنان را از تزلزل بیرون نمی آورد .

طائفه‌ای معتقدند که عمران معلول قوانین است قوانین بطور مطلق وسیله نگاهداری از هیئت اجتماع است لزوم وضع قانون از طرف خداوند غیر معلوم است چه قطع نظر از لزوم توحش افراد بشر قبل از بعثت انبیاء عقیده اول مستلزم آن است که ملل غیر تابعه انبیاء متوحش بوده و از تمدن بهره‌ای نداشته باشند با اینکه آنچه محسوس است این گونه ملل نیز دارای تمدن مخصوص هستند گروهی میگویند که سنن عادلانه احکامی است که بشر از ابتدای پیدایش اجتماع بر حسب عادات و رسوم در معاملات خود بکار میبرد و آنها را مقدس میشمرده است دخالت حکومت وقت در حفظ و نگاهداری آن تأثیر زیادی نداشته بلکه دفاع از آن معلول تربیت و اعتماد است علت پیدایش این گونه عادات که بتدریج بصورت احکام و قوانین در آمده تقلید است که مدلل مطابق سلیقه و حسن انتخاب خود از یکدیگر گرفته و متدرجاً در آنها ملکه گردیده و صورت قانونی پیدا کرده است . ولی تحقیق آن است که سنن عادلانه آن قوانینی

است که تحت اختیار بشر بوده و ایجاد آن موجب خوشبختی و راحت فرزند انسان گردد یعنی قوانین در مقابل صلاح و فساد روزانه آدمی مطلق العنان نبوده بلکه تحت سیطره و اقتدار اراده وی باشد که آنچه را بحال خود نافع می بیند واقعی بگذارد و آنچه را مضر میشناسد از میان بردارد بعبارت واضحتر قوانین عادلانه آن قوانینی را گویند که موجب ارتقاء بشر نگردد نه مانع پیشرفت آن

شود و گر نه فرزند انسان نمی‌توانست از حالت اولی خود گامی پیشتر گذارد و از لباس توحش بیرون آید بنا بر این عقیده فرقه‌ای که خاک را مؤثر در وضع قانون شناخته یا اصل نژاد را مستقلاً تأثیر داده‌اند مخدوش و از مرحله تحقیق خارج است چه اجرای هر یک از دو اصل فوق بنهائی در همه ممالک مشکل بلکه غیر ممکن بنظر میرسد لذا لازم است که هیئت مقننه در وضع قانون وضعیت جغرافیائی و اوضاع اجتماعی و آداب و رسوم و عادات و اخلاق عمومی و ارتباط با ملل مختلف دنیا و قوانین ممالک دیگر را رعایت کنند تا در اجراء قوانین دچار اشکال نگردند و از این جهت بعضی از ممالک متمدنه خاک را مؤثر دانسته و منطقه حکومت قانون را افراد آن خاک شناخته و برخی دیگر نژاد را طرف قانون قرار داده و بعضی جمع بین هر دو اصل کرده‌اند ایران از ممالکی است که هیئت مقننه آن هر دو اصل را تلفیق کرده و قانون تابعیت که ضمیمه جلد دوم قانون مدنی طبع و نشر گردیده وضع و تصویب رسانیده‌اند اینک از بحث در آن صرف نظر کرده و آنچه ذکر آن در این باب لازم است در جای خود مفصلاً بیان خواهیم کرد .

تفسیر قضائی

منطقه حکومت قانون در ایران از سه جهت مورد نظر واقع شده .

- ۱ - از لحاظ امنیت عمومی
- ۲ - از جهت احوال شخصییه .
- ۳ - از نظر اموال - نظر اول را ماده ۵ تأمین کرده زیرا مفاد آن حاکی از این است که ساکنین ایران از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران هستند مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده از جمع بین این ماده و ماده ۷ که اتباع خارجه مقیم ایران را از جهت احوال شخصییه مطیع قوانین خود شناخته با ملاحظه ماده ۹۶۹ قانون مدنی از لحاظ اینکه اسناد را از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم دانسته معلوم میگردد .

رضوان

نا تمام